

اصطلاحات زبان‌شناسی و مشکل تعدد معادل‌ها در زبان فارسی

فضل‌الله بدری‌زاده

دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

منیژه یوحناپی

استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف این مقاله، بررسی آماری میزان یکدستی و هماهنگی میان آن دسته از معادل‌های فارسی است که در برخی از کتاب‌ها و مقاله‌ها، برابر اصطلاحات انگلیسی زبان‌شناسی ارائه گردیده‌اند. همچنین سعی شده است مشکلات ناشی از تعدد و کثرت معادل‌ها مورد بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی در جهت یکسانی و یکنواختی آنها مطرح گردد. در بخش اول این مقاله به بررسی معادل‌های به کاررفته در ۱۰ کتاب مختلف در زمینه زبان‌شناسی پرداخته‌ایم و آنها را از حیث یکسانی یا تفاوت معادل‌ها، با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. در مرحله بعدی به بررسی واژه‌نامه‌های زبان‌شناسی که در آن تقریباً از ۹۰ منبع مختلف برای انتخاب معادل‌ها استفاده شده پرداخته‌ایم که با شمارش و آمارگیری معادل‌های به کار رفته در آن، در واقع ۹۰ منبع مختلف از نظر تعداد معادل‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در بخش بعدی جهت دستیابی به نتایج دقیق‌تر به بررسی آماری دو کتاب با موضوعی مشترک پرداخته شده است. سرانجام، بخش پایانی این مقاله به نتیجه‌گیری اختصاص دارد که در آن پیشنهادهایی در جهت یکسان‌سازی معادل‌ها ارائه گردیده است.

واژه‌های کلیدی

واژه‌نامه زبان‌شناسی، معادل‌های فارسی، مشکل تعداد معادل‌ها

مقدمه

توسعه و گسترش فزاینده علم زبان‌شناسی و رویکردهای مختلف و جدیدی که در این رشته از دانش زبانی رو به فزونی نهاده است، نیاز دانش پژوهان و علاقه‌مندان این علم را

بیش از پیش به اصطلاحات و معادل‌های فارسی آشکار ساخته است گفتنی است که در این راه کوشش‌های زیادی از سوی مترجمان و مؤلفان زبان‌شناس ایرانی صورت پذیرفته و هر یک از این افراد سعی کرده‌اند در آثار خود معادل‌هایی فارسی برابر خیل گسترده و روبه‌فزون اصطلاحات بیگانه به‌کارگیرند. به ویژه در یکی دو دهه اخیر استادان و پژوهش‌گران زبان‌شناسی فرهنگ‌ها، کتاب‌ها و مقالات متعددی را در زمینه زبان‌شناسی تألیف یا ترجمه کرده‌اند و شمار زیادی اصطلاحات نو و بدیع که معادل اصطلاحات بیگانه است، ابداع کرده‌اند. لیکن نکته در خور توجه میزان هماهنگی و یکنواختی معادل‌های به‌کار رفته در این متون است که اهمیت آن کمتر از خود «معادل‌سازی» نیست. در این مقاله سعی شده است با بررسی آماری کتاب‌هایی چند در زمینه زبان‌شناسی به میزان یک‌دستی معادل‌های فارسی در برابر اصطلاحات انگلیسی پی ببریم.

مقایسه ده کتاب مختلف از جهت تعداد اختلاف و اشتراک معادل‌ها

در این مرحله ده کتاب مختلف در زمینه زبان‌شناسی بطور تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تا میزان اختلاف و اشتراک معادل‌های به‌کار رفته در آنها مشخص شود. موضوع این کتاب‌ها، که بیشتر آنها ترجمه است، شامل واژه‌نامه، تاریخ زبان‌شناسی، نحو، زبان، طبقه‌بندی زبان‌ها و مواردی از این دست می‌باشد.

این کتاب‌ها عبارتند از:

- ۱- تاریخ مختصر زبان‌شناسی - ترجمه علی محمد حق‌شناس
- ۲- زبان - ترجمه علی محمد حق‌شناس
- ۳- ساخت‌های نحوی - ترجمه احمد سمیعی
- ۴- طبقه‌بندی زبان‌ها - ترجمه ابوالقاسم سهیلی
- ۵- زبان‌شناسی نوین - ترجمه ابوالقاسم سهیلی
- ۶- درآمدی بر زبان‌شناسی - کورش صفوی
- ۷- واژه‌نامه زبان‌شناسی - کورش صفوی

اصطلاحات زبان‌شناسی و مشکل تعدد معادل‌ها ... ۵

۸- زبان و زبان‌شناسی - ترجمه علی صلحجو

۹- تفکر و زبان - ترجمه بهروز عزب دفتری

۱۰- زبان و شناخت - ترجمه حبیب‌اله قاسمزاده

پس از مقایسه معادل‌های به کاررفته در کتاب‌های فوق و شمارش آنها، نتایج به دست‌آمده در جدول زیر مشاهده می‌شود. لازم به ذکر است که به دلیل کمبود فضا، به جای نوشتن نام کتاب‌ها از شماره‌هایی که در بالا در مقابل هر کتاب ذکر شده، استفاده گردیده است:

شماره کتاب	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱		$\frac{۳۵}{۷۳}$	$\frac{۳۲}{۱۹}$	$\frac{۲۷}{۱۷}$	$\frac{۸}{۱۳}$	$\frac{۷}{۱۱}$	$\frac{۱۷۸}{۳۳۹}$	$\frac{۱۳}{۱۵}$	$\frac{۱۸}{۱۴}$	$\frac{۴۱}{۴۴}$
۲	$\frac{۳۵}{۷۳}$		$\frac{۳}{۱}$	$\frac{۱۳}{۶}$	$\frac{۴}{-}$	$\frac{۳}{-}$	$\frac{۵۱}{۳۲}$	$\frac{۹}{۳}$	$\frac{۱۲}{۲}$	$\frac{۱۷}{۳}$
۳	$\frac{۳۲}{۱۹}$	$\frac{۳}{۱}$		$\frac{۲}{۴}$	$\frac{۳}{۱}$	$\frac{۲}{۲}$	$\frac{۴۵}{۱۵}$	$\frac{۲}{۲}$	$\frac{۹}{۱}$	$\frac{۹}{۳}$
۴	$\frac{۲۷}{۱۷}$	$\frac{۱۳}{۱۶}$	$\frac{۲}{۴}$		$\frac{۱}{-}$	$\frac{۱}{۱}$	$\frac{۲۵}{۸}$	$\frac{۲}{۱}$	$\frac{۳}{-}$	$\frac{۴}{۱}$
۵	$\frac{۸}{۱۳}$	$\frac{۴}{-}$	$\frac{۳}{-}$	$\frac{۱}{-}$		$\frac{۱}{۱}$	$\frac{۲۲}{۴}$	$\frac{۱}{-}$	$\frac{۱}{-}$	$\frac{۴}{۱}$
۶	$\frac{۷}{۱۱}$	$\frac{۳}{-}$	$\frac{۲}{۲}$	$\frac{۱}{۱}$	$\frac{۱}{۱}$		$\frac{۱۶}{۳}$	$\frac{-}{-}$	$\frac{-}{-}$	$\frac{۳}{-}$
۷	$\frac{۱۷۸}{۳۳۹}$	$\frac{۵۱}{۳۲}$	$\frac{۴۵}{۱۵}$	$\frac{۲۵}{۸}$	$\frac{۲۲}{۴}$	$\frac{۱۶}{۳}$		$\frac{۲۸}{۱۷}$	$\frac{۴۰}{۱۱}$	$\frac{۷۱}{۳۵}$
۸	$\frac{۱۳}{۵}$	$\frac{۹}{۳}$	$\frac{۲}{۲}$	$\frac{۲}{۱}$	$\frac{-}{-}$	$\frac{-}{-}$	$\frac{۲۸}{۱۷}$		$\frac{۴}{۱}$	$\frac{۱۲}{۹}$
۹	$\frac{۱۸}{۱۴}$	$\frac{۱۲}{۲}$	$\frac{۹}{۱}$	$\frac{۳}{۱}$	$\frac{۱}{-}$	$\frac{۳}{-}$	$\frac{۴۰}{۱۱}$	$\frac{۴}{۱}$		$\frac{۲۳}{۱۰}$
۱۰	$\frac{۴۱}{۴۴}$	$\frac{۱۷}{۳}$	$\frac{۹}{۳}$	$\frac{۹}{۳}$	$\frac{۴}{۱}$	$\frac{۳}{-}$	$\frac{۷۱}{۳۵}$	$\frac{۱۲}{۹}$	$\frac{۲۳}{۱۰}$	

در جدول فوق، اعدادی که در هر خانه در قسمت بالا نوشته شده، بیانگر معادل‌های متفاوت برای اصطلاحات یکسان، و اعداد قسمت پایین، نشان‌دهنده معادل‌های یکسان برای اصطلاحات یکسان است. در این جدول شماره‌های ۱ تا ۱۰ در ردیف بالا و همچنین ستون اول سمت راست نشان‌دهنده شماره کتاب‌های مورد بررسی اند محل تلاقی هر دو عدد در این جدول بیانگر میزان اختلاف و اشتراک معادل‌های آنهاست. به عنوان مثال برای یافتن نتایج به دست آمده از بررسی دو کتاب ۹ (تفکر و زبان) و ۷ (واژه‌نامه زبان‌شناسی) به محل تلاقی آنها در جدول مراجعه می‌کنیم و به عدد $\frac{40}{11}$ می‌رسیم که این عدد نشان‌گر آن است که در این دو کتاب، در مجموع برای ۵۱ اصطلاح یکسان $(40+11)$ معادل متفاوت و ۱۱ معادل یکسان به کار رفته است. چنانچه از مقایسه این ۱۰ کتاب با یکدیگر مشاهده می‌شود، در مجموع به ۴۵ عدد کسری رسیده‌ایم که صورت آنها اختلاف، و مخرج آنها اشتراک معادل‌های به کار رفته در آنها را نشان می‌دهد، از این ۴۵ عدد، ۷ مورد صورت و مخرج یکسانی دارند یعنی در $\frac{15}{5}\%$ از موارد یا اصلاً اصطلاح یکسانی در دو کتاب به کار نرفته و یا میزان اختلاف و اشتراک آنها مساوی بوده است. همچنین در ۷ مورد نیز صورت از مخرج کوچکتر است، این امر بیانگر این است که در $\frac{15}{5}\%$ از موارد نیز، تعداد معادل‌های یکسان بیش از معادل‌های متفاوت بوده است، اما چنانچه مشاهده می‌شود در ۳۱ مورد صورت از مخرج بزرگتر می‌باشد که این معادل $\frac{69}{100}\%$ از کل موارد است. یعنی در مقایسه این ۱۰ کتاب با یکدیگر، در ۳۱ مورد اختلاف معادل‌هایی که برای اصطلاحات یکسان به کار رفته بیش از اشتراک آنها بوده است.

بررسی آماری یک واژه‌نامه زبان‌شناسی از نظر تعداد معادل‌ها

در این بخش از مقاله سعی شده است با بررسی آماری معادل‌هایی که در کتاب «واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته» اثر همادخت همایون به کار رفته است، به میزان یکدستی معادل‌های فارسی در مقابل اصطلاحات انگلیسی پی ببریم، در واژه‌نامه فوق از ۳۵ کتاب و ۵۴ مقاله اعم از ترجمه و تألیف در رشته زبان‌شناسی و علوم وابسته استفاده شده که

فهرست کامل آنها، بر اساس نام نویسنده و مترجم به ترتیب حروف الفبای فارسی در ابتدای واژه‌نامه آمده و به ترتیب شماره مشخص شده است. در بخش واژه‌نامه انگلیسی-فارسی، همین شماره‌ها در جلوی معادل‌های فارسی آورده شده‌اند که نشانگر مقاله یا کتابی است که این معادل‌ها در آن به کار برده شده‌اند. همچنین دکتر علی‌محمد حق‌شناس معادل‌هایی برای بعضی از اصطلاحات پیشنهاد نموده‌اند که با ستاره مشخص شده‌اند. بنابراین انتخاب واژه‌نامه فوق با این انگیزه بوده که با بررسی آن در واقع ۹۰ منبع مختلف را از نظر تعدد معادل‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

این واژه‌نامه از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول آن واژه‌نامه انگلیسی-فارسی است. بخش دوم شامل فهرست انگلیسی-فارسی زبان‌هاست. بخش سوم کتاب فهرستی است از واژه‌نامه‌هایی فارسی به کار رفته در بخش اول، یعنی معادل‌هایی که در این ۹۰ منبع مختلف معرفی شده‌اند، و بخش چهارم کتاب نیز فهرست فارسی زبان‌ها را شامل می‌گردد. در این مقاله تنها بخش اول و بخش سوم که قسمت اعظم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرند و از بخش‌های دوم و چهارم که مربوط به نام زبان‌هاست و ارتباطی به مقاله حاضر ندارد، چشم‌پوشی می‌کنیم. در بررسی و شمارش واژه‌های بخش اول، یعنی واژه‌نامه انگلیسی به فارسی به این نتیجه می‌رسیم که در کل تعداد ۶۵۴۸ اصطلاح انگلیسی به کار رفته است که از این تعداد ۴۷۳۴ واژه تنها یک معادل دارند. نکته‌ای که باید توجه داشت این است که چون هر یک از منابع از تعداد محدودی از این واژگان و اصطلاحات استفاده کرده و برای آنها معادلی ذکر کرده‌اند، بیش از ۹۵٪ این اصطلاحات تک‌معادلی، تنها در یکی از ۹۰ منبع مذکور ذکر شده‌اند، یعنی به طور دقیق از ۴۷۳۴ اصطلاح تک‌معادلی، تنها ۲۲۸ مورد از آنها در دو منبع و ۳۹ مورد نیز در سه منبع به کار رفته‌اند. بنابراین نباید تصور شود که این واژه‌ها در کلیه این منابع دارای معادل‌های یکسانی بوده‌اند، اما ۱۸۱۴ اصطلاح دیگر این واژه‌نامه، بیش از یک معادل دارند که از این میان ۱۱۰۷ واژه دارای دو معادل، ۳۹۳ واژه دارای سه معادل، ۱۷۷ واژه دارای چهار معادل، ۸۰ واژه دارای پنج معادل، ۳۶ واژه دارای شش معادل، ۱۳ واژه

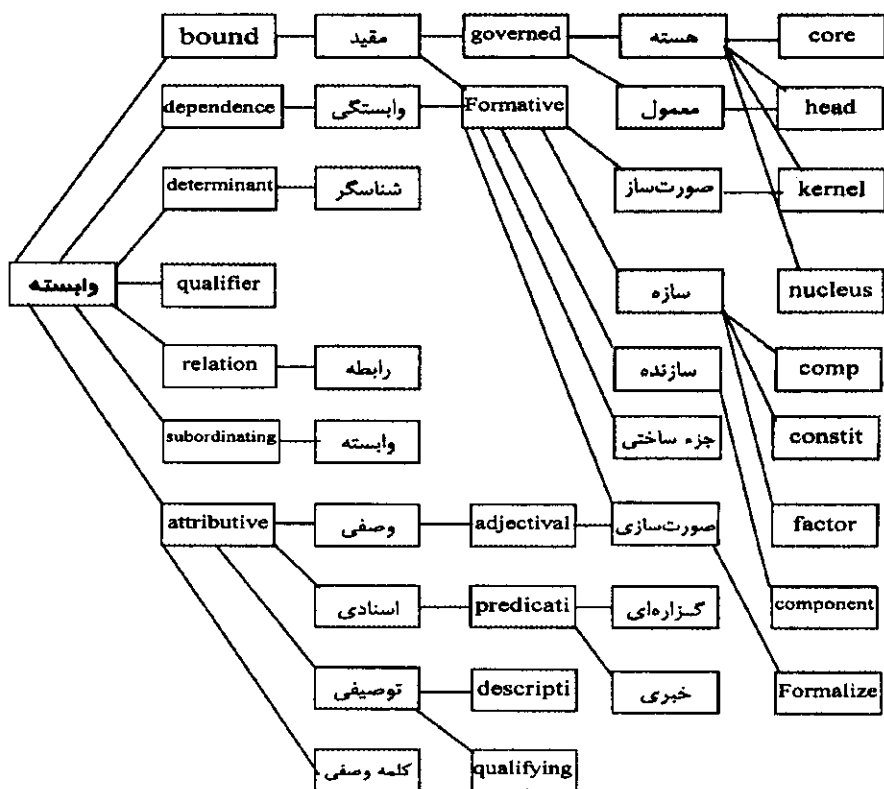
دارای هفت معادل، ۳ واژه دارای هشت معادل، ۳ واژه دارای نه معادل و ۲ واژه دارای ده معادل‌اند.

به عنوان مثال برای واژه orthography در ۱۰ منبع مختلف معادل‌های: ۱- خطاطی
 ۲- دستگاه خط ۳- نگارشگری ۴- خط ۵- نگارش ۶- نظام خط ۷- سیاق نگارش ۸- املاء
 ۹- رسم‌الخط و ۱۰- درست‌نویسی به کاررفته است و یا برای واژه complex معادل‌های:
 ۱- ترکیب ۲- گروه ۳- تفکرهمبافته ۴- مرکب ۵- همبافته فکری ۶- مجموعه
 ۷- پیچیده ۸- مجتمع فکری ۹- ترکیبی و ۱۰- مشتق استفاده شده است. آماری که از
 شمارش معادل‌ها به دست می‌آید این است که از کل اصطلاحات، ۲۷/۷٪ آنها دارای
 بیش از یک معادل بوده‌اند، یعنی از هر چهار واژه انگلیسی حداقل یکی از آنها بیش از یک
 معادل داشته‌اند.

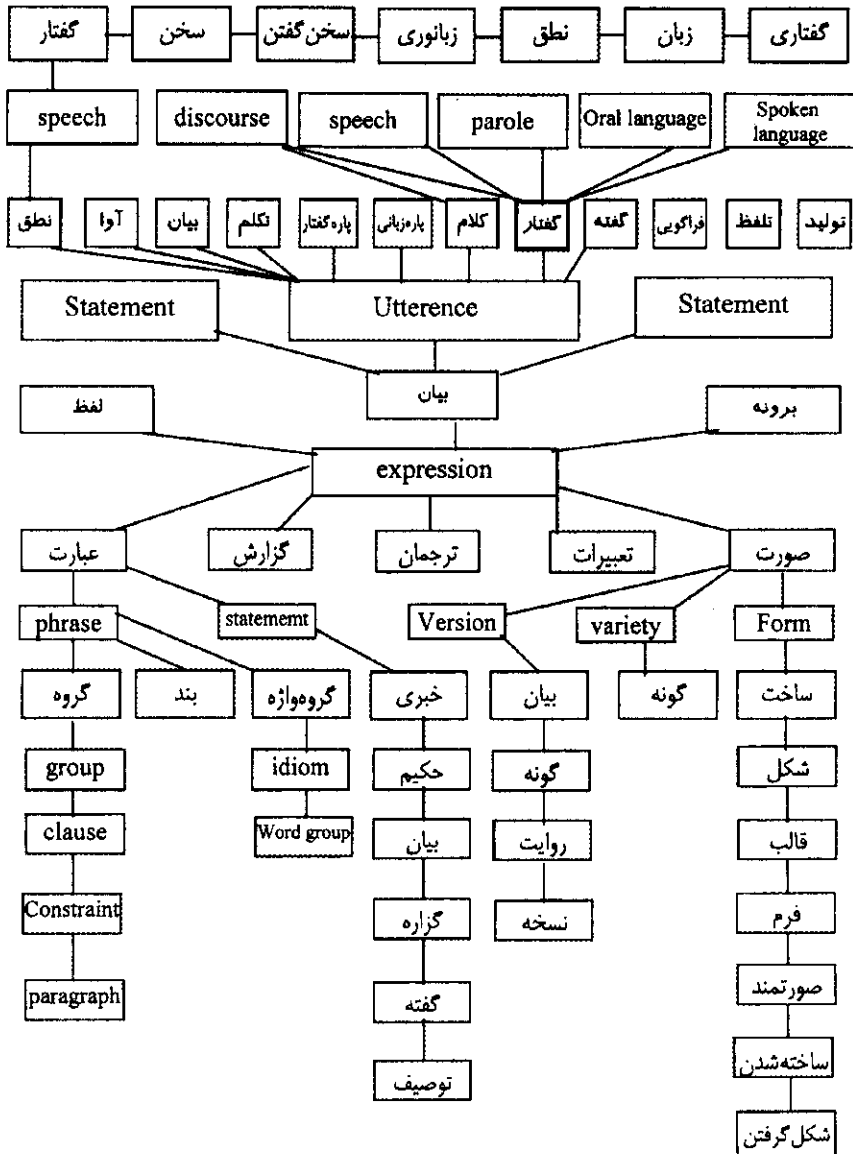
با بررسی بخش سوم کتاب که فهرست معادل‌های به کاررفته در واژه‌نامه را ذکر
 نموده است به آمار قابل توجه دیگری دست می‌یابیم. با شمارش کل معادل‌های فارسی
 به این نتیجه می‌رسیم که برای ۶۵۴۸ واژه و اصطلاح انگلیسی، ۸۰۹۱ معادل فارسی آمده
 است، یعنی تقریباً برای هر صد واژه انگلیسی، ۱۲۳ معادل فارسی به کاررفته است، که این
 امر خود در تضاد با اصل اقتصاد است که در زبان‌شناسی بر آن تاکید می‌شود. در هر حال
 از این تعداد ۸۰۹۱ معادل فارسی، ۸۸۲ معادل برای بیش از یک اصطلاح انگلیسی
 به کاررفته‌اند، به عبارت دیگر در اینجا عکس مورد قبلی پیش آمده است. در قسمت اول با
 اصطلاحاتی روبرو بودیم که بیش از یک معادل فارسی داشتند، ولی در اینجا یک معادل
 فارسی برای بیش از یک اصطلاح بیگانه به کاررفته است. و اما از این ۸۸۲ واژه فارسی،
 تعداد ۶۳۱ عدد از آنها معادل دو اصطلاح متفاوت، ۱۷۵ عدد معادل سه اصطلاح، ۴۵ عدد
 معادل چهار اصطلاح، ۲۲ عدد معادل پنج اصطلاح، ۶ عدد معادل شش اصطلاح و ۳ عدد
 معادل هفت اصطلاح مختلف به کاررفته‌اند، به عنوان مثال واژه «وابسته» معادل
 اصطلاحات:

۱- determinative - ۲ dependence - ۳ bound - ۴ attributive - ۵ qualifier
 ۶- relation و ۷- subordinating به کاررفته است و یا واژه «ذاتی» معادل اصطلاحات:
 ۱- innate - ۲ immanent - ۳ inherent - ۴ internal - ۵ intrinsic - ۶ natural
 و ۷- substantive به کاررفته است.

در هر حال با مطالعه و بررسی اصطلاحات انگلیسی با بیش از یک معادل فارسی و معادل‌های فارسی بیش از یک اصطلاح انگلیسی، به شبکه پیچیده و در هم تنیده‌ای از اصطلاحات و معادل‌ها برمی‌خوریم که کمترین پیامد آن سردرگمی خوانندگان این قبیل کتاب‌ها و مقالات است. به عنوان مثال چنانچه ذکر شد برای واژه «وابسته» معادل هفت اصطلاح انگلیسی مختلف به کاررفته است که برای آن هفت اصطلاح نیز علاوه بر «وابسته»، معادل‌های فارسی دیگری نیز به کار رفته است، هر یک از آن معادل‌های فارسی نیز به نوبه خود برای چندین اصطلاح انگلیسی دیگر به کار رفته‌اند که می‌توان آن را به شکل نمودار زیر نمایش داد:



به عنوان مثالی دیگر می‌توان به معادل‌های اصطلاح «expression» و شبکه تو درتوی آن توجه نمود.



توجه کنیم که هر یک از این اصطلاحات خود دارای چندین معادل‌اند که هر کدام یک شبکه گسترده را تشکیل می‌دهند، از این رو نمی‌توان آنها را در این فضای اندک نمایش داد.

البته واضح است که تعدادی از اصطلاحات بیگانه مترادف بوده و بنابراین در زبان فارسی می‌توان تنها یک معادل برای آنها به کار برد، ولی این امر در کمتر از ۱۰٪ اصطلاحات صادق است و در بقیه موارد احتمالاً دو یا چند اصطلاح مختلف دارای معانی نزدیک به هم بوده و دریافت‌های مختلف معادل یکسانی نخواهند داشت، در هر حال برای همه اصطلاحات، چه مترادف کامل و چه جزیی می‌توان در فارسی نیز معادل‌های متفاوتی به کار برد. به عنوان مثال برای دو واژه «generation» و «production» که در ستون زبان‌شناسی معنایی تقریباً مترادف دارند، در زبان فارسی غالباً واژه «تولید» معادل آن آمده است که درست‌تر آن است که برای اولی «زایش» و دومی «تولید» را به کار ببریم.

مقایسه دو کتاب با زمینه مشترک، از نظر اختلاف در معادل‌ها

از آنجا که ۱۰ کتاب مورد بررسی ما در قسمت اول و واژه‌نامه زبان‌شناسی در قسمت دوم این مقاله دربرگیرنده موضوعات متفاوت زبان‌شناسی از قبیل آواشناسی، معناشناسی، دستور، تاریخ زبان، جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی زبان و غیره می‌باشند بنابراین نمی‌توانیم آنها را تنها ملاک عدم یکدستی و هماهنگی معادل‌ها در نظر بگیریم. از این رو برای به دست آوردن آمار دقیق‌تر و ملموس‌تر به بررسی دو کتاب نسبتاً جدیدتر که تقریباً موضوع یکسانی دارند، می‌پردازیم. این دو کتاب عبارتند از «نحو زبان فارسی، بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی» به قلم دکتر سید علی میرعمادی و «زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی» تألیف دکتر محمد دبیرمقدم. این دو کتاب به فاصله دو سال از یکدیگر چاپ شده و نویسندگان آن نیز هر دو از استادان دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشند. انتخاب این دو کتاب از این رو صورت گرفته که کتاب دکتر میرعمادی کاملاً مربوط به نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی است و بخشی از آن نیز به رهیافت کمینگی

اختصاص دارد و فصل عمده‌ای از کتاب دکتر دبیرمقدم نیز به نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی اختصاص دارد و بخشی از پایان کتاب نیز به رهیافت کمینگی (برنامه کمینه‌گرا) اختصاص یافته است. بنابراین چون هر دو، نظریه واحدی را بررسی و توصیف کرده‌اند، می‌توان انتظار داشت که با اصطلاحات یکسانی سروکار داشته‌اند، با بررسی معادل‌های انتخابی این دو استاد می‌توانیم به میزان هماهنگی (یا عدم هماهنگی) معادل‌ها پی ببریم.

پس از بررسی کامل دو کتاب فوق، از نظر معادل‌ها مشخص گردید که از ۱۱۶ اصطلاح یکسان، ۴۰ اصطلاح دارای معادل‌های یکسان و ۷۶ اصطلاح دارای معادل‌های متفاوتی بوده‌اند که در اینجا برای جلوگیری از طولانی‌شدن مقاله از ذکر موارد یکسان خودداری کرده و فقط به ذکر معادل‌های متفاوت می‌پردازیم. در جدول زیر ستون اول، واژه یا اصطلاح انگلیسی را نشان می‌دهد. ستون دوم نشان‌دهنده معادلی است که دکتر میرعمادی انتخاب کرده است و ستون سوم بیانگر معادل انتخابی دکتر دبیرمقدم می‌باشد.

ردیف	واژه یا اصطلاح	دکتر میرعمادی	دکتر دبیرمقدم
۱	Actor	مؤثر	کنش‌گر
۲	Adjunct	ادات	افزوده
۳	Adjunction	پهلونشینی	افزایش
۴	Anaphor	مرجعواره	مرجع‌دار
۵	Argument	قمر	موضوع
۶	Articulatory – perceptual	تولیدی – ادراکی	فراگویی – ادراکی
۷	Background	زمینه	پس زمینه
۸	Barrier	راه‌بند	مانع
۹	Benefactive	بهره‌پذیر	بهره‌وری
۱۰	Bounding node	راه‌بند	گره تحدیدکننده
۱۱	Canonical	نهادی	بنیادی
۱۲	Case assignment	نشانه‌گذاری حالت	حالت بخشی
۱۳	Causer	سبب‌ساز	سبب
۱۴	Checking	کنترل	بازبینی
۱۵	Clause	جمله‌واره – بند	بند

۱۶	Computational system	نظام یارانه‌ای	نظام محاسباتی
۱۷	Conceptual – intentional	مفهومی – ارادی	مفهومی – نیتی
۱۸	Controller	کنترل‌کننده	ناظر
۱۹	Core grammar	دستور هسته‌ای	دستور کانونی
۲۰	Dative	مفعول با واسطه – حالت برایی	تأثیرپذیری
۲۱	Descriptive adequacy	کفایت توصیفی	کارایی توصیفی
۲۲	Determiner	آویزه	وابسته
۲۳	Determiner phrase	گروه آویزه اسمی	گروه حرف تعریف
۲۴	Dominate	تسلط (داشتن)	مشرّف (بودن)
۲۵	Dummy	کاذب	فرضی
۲۶	D – Structure	درون ساخت	ژ – ساخت
۲۷	Exceptional case marking	حالت‌گذاری استثنایی	حالت‌بخشی استثنایی
۲۸	Experiencer	اثربخیز	تجربه‌گر
۲۹	Explanatory adequacy	کفایت توجیهی	کارایی تبیینی
۳۰	Extendend Standard Theory	نظریه استاندارد گسترده	نظریه معیار گسترده
۳۱	Finite	خودایستا	زماندار
۳۲	Flat (structure)	افشان	مسطح
۳۳	Full interpretation	تفسیر کامل	خوانش کامل
۳۴	Category	مقوله کارکردی	مقوله نقشی
۳۵	Goal	هدف	مقصد
۳۶	Greed	خوداشتهایی	طمع
۳۷	Head	سر	هسته – سر
۳۸	Head – Driven Phrase Structure rammar (GPSG)	دستور سازه‌ای سر – پیرو	دستور ساخت گروهی هسته بنیان
۳۹	I – language	زبان درونگی	زبان درونی
۴۰	Instrumental	ابزاری	وسيله‌ای
۴۱	Interface level	سطح متعامل	سطح رابط
۴۲	Interpretive	تعبیری	خوانشی
۴۳	Lexical entry	عنصر واژگانی	مدخل
۴۴	Lexicon	جزء واژگانی	واژگان
۴۵	Maximal command	آمریت بیشینه	تسلط بیشینه
۴۶	Minimalist program	رهیافت کمینگی	برنامه کمینه گرا
۴۷	Module	نمونک	حوزه
۴۸	Observational adequacy	کفایت شهودی	کارایی مشاهده‌ای

۴۹	Patient	کنش پذیر	پذیرا
۵۰	Phrase Structure Grammar	دستور سازه‌ای	دستور ساخت گروهی
۵۱	Pragmatic competence	توانش کاربردی	توانش کاربرد شناختی
۵۲	Presupposition	پیش انگاشت	پیش انگاره
۵۳	Principles – and – parameters Approach / theory	رویکرد مبتنی بر اصول پارامتری	نظریه اصول و پارامترها
۵۴	Pro	ضمیرک	ضمیر فاعلی محذوف
۵۵	PRO	ضمیر مستور	ضمیر انتزاعی
۵۶	Proper government	حاکمیت مطلق	حاکمیت مناسب
۵۷	Quantifier	کمیت‌نما	سور
۵۸	Recoverability	بازیابی	بازیافتی
۵۹	Recursion	تکریر	بازگشت
۶۰	Relativized minimality	کمینگی موصولی	کمینگی نسبی
۶۱	Selectional restriction	جبرگزینش	محدودیت گزینش
۶۲	Semantic feature	ممیزه معنایی	مشخصه معنایی
۶۳	Source	کنش‌زا	مبداء
۶۴	Specifier	مخصص	مشخص‌گر
۶۵	Spell – out	شفاق	بازنمون
۶۶	S – Structure	برون ساخت	ر- ساخت
۶۷	Standard Theory	نظریه استاندارد / استاندارد	نظریه معیار
۶۸	Strict subcategorization	زیر مقوله مطلق	زیر مقوله محض
۶۹	Subjacency condition	شرط درون‌بستی	شرط همجواری
۷۰	Thematic (θ) relations	رابطه‌های نقش‌دهی	روابط پذیرنده
۷۱	θ - Criterion	معیار نقش‌دهی	معیار تتا
۷۲	θ - Theory	نظریه نقش‌دهی	نظریه تتا
۷۳	Trace	اثر	رد
۷۴	Universal Grammar (UG)	دستور جهانشمول	دستور همگانی
۷۵	Wh – movement	جابجایی پرسشواره	حرکت پرسشواره
۷۶	Wh – in – situ (in – situ wh – phrase)	عبارت که – ای در جا	پرسشواره در جای اصلی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، برای بیش از ۶۵/۵٪ اصطلاحات انگلیسی یکسان، در این دو کتاب معادل‌های متفاوتی به کار رفته است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و مقایسه‌های مختلفی که در این مقاله صورت گرفت، به این نتیجه می‌رسیم که متأسفانه در میان اصطلاحات و معادل‌هایی که متخصصان علم زبان‌شناسی در آثار خود به کار برده‌اند، یکدستی و هماهنگی لازم وجود ندارد و هر یک از ایشان با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و احیاناً سلیقه‌های شخصی، اصطلاحات فارسی را در مقابل اصطلاحات بیگانه برگزیده‌اند، این امر می‌تواند مشکلات زیر را در پی داشته باشد.

۱- چنانچه قبلاً ذکر شد، استفاده از معادل‌های متفاوت برای اصطلاحات یکسان باعث می‌شود که خود خواسته بر تعداد اصطلاحات فارسی اضافه کنیم که این امر در تضاد با اصل اقتصاد قرار دارد.

۲- وجود معادل‌های مختلف و گوناگون برای اصطلاحات واحد، باعث سردرگمی و سرگستگی خوانندگان علاقه‌مند به موضوعات زبان‌شناسی می‌شود و این قبیل خوانندگان با مواجه شدن با معادل‌های متفاوت احتمالاً تصور می‌کنند اصطلاحات فوق یکسان نبوده و مفاهیم متفاوتی در بردارند.

۳- به دلیل وجود اصطلاحات و معادل‌های گوناگون، نویسندگان و مترجمان کتاب‌های جدید نمی‌دانند کدامیک از معادل‌های قبلی را برای اصطلاحات قدیمی انتخاب کنند.

۴- با توجه به وجود معادل‌های سلیقه‌ای و گوناگون، ذکر اصطلاح اصلی در پانویس الزامی می‌شود، به عبارت دیگر هر نویسنده و مترجمی که بخواهد کتاب جدیدی تألیف یا ترجمه نماید، حتماً باید اصطلاح اصلی معادل‌هایی که انتخاب کرده است، ذکر نماید در غیر این صورت خواننده متوجه نخواهد شد که این اصطلاح فارسی معادل کدام اصطلاح بیگانه است. البته این امر خود مشکلاتی دربر خواهد داشت. از جمله اینکه سلیقه نویسندگان و مترجمان در تعیین اینکه کدامیک از اصطلاحات اصلی را در پانویس ذکر کنند، متفاوت است و دیگر اینکه خوانندگان هنگام خواندن مقاله یا کتاب مجبور می‌شوند دائماً به پانویس مراجعه کنند که این امر باعث خستگی و دل‌زدگی آنها می‌شود. در

صورتی که اگر برای اکثر اصطلاحات اصلی یکسان، معادل‌های یکسانی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به ذکر تک‌تک آنها در پانویس وجود نخواهد داشت. به عنوان مثال «حاکمیت و مرجع‌گزینی» معادلی است که همگی زبان‌شناسان آنرا پذیرفته و به کار می‌برند، بنابراین نیازی به ذکر «Government and Binding» در پانویس نیست، زیرا هر کس به هنگام برخورد با این عبارت، می‌داند معادل آن چیست و به چه نظریه‌ای اشاره می‌کند، اما اگر به جدول معادل‌های متفاوت در دو کتاب مورد بحث نگاه کنیم می‌بینیم که برای نظریه «Head - Driven Phrase Structure Grammar» در یکی معادل «دستورسازهای سر - پیرو» و در دیگری «دستور ساخت گروهی هسته بنیان» آمده است که فقط «دستور» واژه مشترک در این دو معادل متفاوت است! در واقع این دو معادل آنقدر با یکدیگر تفاوت دارند که اگر کسی با هریک از این دو معادل (و یا احتمالاً معادل‌های دیگری که دیگر نویسندگان برای این نظریه خاص به کار برده‌اند) برخورد نماید، تا به پانویس یا واژه‌نامه کتاب مراجعه نکند، نخواهد فهمید این معادل‌ها به چه نظریه‌ای اشاره می‌کنند.

اما چگونه می‌توان به معادل‌های یکدست و یکنواختی دست یافت؟ تا آنجا که نویسندگان و مترجمان در آثار خود از معادل‌های یکسانی استفاده نمایند، به نظر می‌رسد لازم است همان شیوه‌ای را در پیش گرفت که فرهنگستان زبان برای واژه‌های بیگانه انجام می‌دهد، یعنی ابتدا کلیه اصطلاحاتی را که بیش از یک معادل دارند فهرست‌وار و به گونه خبرنامه در اختیار استادان و صاحب‌نظران زبان‌شناسی در دانشگاه‌های مختلف بگذارند (یا می‌توان این فهرست را در یکی از کنفرانس‌های زبان‌شناسی در اختیار عموم استادان و اهل فن قرارداد) آنگاه درباره انتخاب معادل‌های واحد نظرسنجی کنند پس از دریافت کلیه نظرات، معادل‌هایی را که اکثریت افراد پذیرفته‌اند، به عنوان معادل‌های معیار در نظر گرفته و به صورت یک واژه‌نامه تخصصی زبان‌شناسی در اختیار عموم بگذارند، تا همه نویسندگان و مترجمان معادل‌های پذیرفته شده را در آثار خود به کار برند، و همچنین در تجدید چاپ کتاب‌های قدیمی نیز می‌توان این قبیل معادل‌ها را جایگزین

معادل‌های متفاوت قبلی کرد. در مورد اصطلاحات جدید نیز باید به همین شیوه عمل کنیم، یعنی در کنفرانس زبان‌شناس بعدی باید معادل‌های پیشنهادی اصطلاحات جدیدی را که در فاصله بین دو کنفرانس به وجود آمده مورد نظرسنجی صاحب‌نظران قرارداد و معادل‌های پذیرفته‌شده را به فهرست اولیه اضافه کرد. البته اگر انجمن زبان‌شناسی وجود می‌داشت، استادان و علاقه‌مندان این رشته می‌توانستند هر از گاهی گرد هم آیند و پیرامون مسائل مختلف این علم صحبت نمایند که در این صورت، مشکل معادل‌یابی و معادل‌گزینی نیز به راحتی و با اتفاق نظر همه صاحب‌نظران و اهل فن این رشته قابل حل بود، با امید به اینکه روزی شاهد تثبیت و ترویج اصطلاحاتی یکسان در این علم باشیم.

منابع

- اسمیت، ن. و ویلسون، د.، *زبان‌شناسی نوین، نتایج انقلاب چامسکی*، سهیلی، ابوالقاسم و دیگران (مترجمین) تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۷.
- چامسکی، ن.، *ساخت‌های نحوی*، سمیعی، احمد، (مترجم)، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.
- دبیر مقدم، محمد، *زبان‌شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی* تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
- روبینز، آر. اچ.، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، حق شناس، علی محمد، (مترجم)، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- سایر، ا.، *زبان، حق شناس*، علی محمد، (مترجم)، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- صفوی، کورش، *درآمدی بر زبان‌شناسی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۱.
- صفوی، کورش، *واژه‌نامه زبان‌شناسی*، تهران: انتشارات مجرد، ۱۳۶۱.
- کوندراشف، ا.، *زبان و زبان‌شناسی*، صلحجو، علی، (مترجم)، تهران: انتشارات ایران یاد، ۱۳۶۳.
- لوریا، ا.، *زبان و ذهن کودک*، قاسم‌زاده، حبیب‌الله، (مترجم) ارومیه: انتشارات انزلی، ۱۳۶۸.
- میرعمادی، سیدعلی، *نحو زبان فارسی، بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
- همادخت، همایون، *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲.
- هورن، ک. م.، *طبقه‌بندی زبان‌ها نظریه‌های قرن نوزدهم و بیستم*، سهیلی، ابوالقاسم، (مترجم) مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
- یودویچ، ف.، *لوریا، ا.، زبان و شناخت*، عزبدفتری، بهروز، (مترجم). تبریز: انتشارات نیما، ۱۳۶۵.

